

## نقشه‌ی خدا برای فدیه

درس ۷: عهدها

دکتر آر. سی. اسپرول

یکی از موضوعات اصلی که در کتاب عبرانیان در عهدجدید پیدا می‌کنیم، برتری مسیحه، و مخصوصاً عملکردش در نقشی که به عنوان بزرگترین کاهن اعظم ماست. وقتی نویسنده درباره‌ی عظمت عیسی از این لحاظ صحبت می‌کند، بین عهدی که خدا از طریق موسی با قومش بست و عهدجدیدی که اکنون به واسطه‌ی پسرش عیسی مسیح بسته شده، تشابهات و تضادها رو بیان می‌کند.

و ما در باب هشتم عبرانیان این کلمات رو در آیه‌ی ۳ می‌خونیم: "زیرا که هر رئیس کهنه مقرر می‌شود تا هدایا و قربانی‌ها بگذرانند؛ و از این جهت واجب است که او را نیز چیزی باشد که بگذرانند. پس اگر بر زمین می‌بود، کاهن نمی‌بود چون کسانی هستند که به قانون شریعت هدایا را می‌گذرانند. و ایشان شبیه و سایه چیزهای آسمانی را خدمت می‌کنند، چنانکه موسی ملهم شد هنگامی که عازم بود که خیمه را بسازد." و بعد در آیه‌ی ۶: "لکن الان او خدمت نیکوتر یافته است، به مقداری که متوسط عهد نیکوتر نیز هست که بر وعده‌های نیکوتر مرتب است." بعد نویسنده ادامه داده و توضیح می‌دهد که چطوری عهدجدید، عهدی بهتر از عهد قدیمه و حالا عهد قدیم رو از کار افتاده می‌دونه.

اما ما در این متن متوجه می‌شیم که عهدجدید به عنوان عهد بهتر در نظر گرفته شده، نه تنها به خاطر اینکه ما واسطه‌ای بهتر از موسی داریم، بلکه چون وعده‌ی بهتری داریم. و این مهمه، چون برای ما اطلاعات و دانشی رو درباره‌ی ماهیت این عهدها باز می‌کند. و می‌بینیم که اگه ساختار یا چارچوب اولیه‌ای برای بازگشایی کامل نقشه‌ی فدیه در کتابمقدس هست، این ساختار یا چارچوب از لحاظ مفهوم عهد بیان شده. ما درباره‌ی انواع عهدها در تاریخ کتابمقدس می‌خونیم.

عهدی که خدا با آدم و حوا بست، که معمولاً عهد آدم می‌نامیم. عهدی هست که خدا با نوح بست، جایی که خدا رنگین کمانش رو به عنوان نشانه‌ی این عهد در آسمون قرار می‌ده که ما اون رو عهد نوح می‌نامیم و بعد خدا وارد عهدی با ابراهیم می‌شه، عهد ابراهیم که با نسل او، اسحاق و یعقوب و الی آخر تجدید می‌شه. اما معمولاً وقتی به عهد قدیم فکر می‌کنیم، در اصل به عهدی فکر می‌کنیم که خدا از طریق موسی در کوه سینا با اسرائیل بست و این معمولاً عهد موسی یا عهد سینایی نامیده می‌شه، چون در کوه سینا پایه گذاری شد.

حالا، عهد چیه؟ خُب، اساساً عهد یک توافق بین دو یا چند نفره و این توافق عمدتاً و در اصل بر اساس یک وعده هست و این چیزیه که در این متن از عبرانیان که چند لحظه پیش خوندم، متوجه می‌شیم، اینکه بخشی از دلیل برتری عهدجدید اینه که وعده‌ی بهتری در مقایسه با عهدعتیق داره.

حالا ما وعده‌های عهد رو می‌بینیم که خارج از کتابمقدس هستند، تقریباً در هر عرصه‌ی زندگی انسان هستند. وقتی ما وارد رابطه‌ی استخدامی با یک کارفرما می‌شیم، اگه چیزی رو داشته باشیم که قرارداد صنعتی می‌نامیم، وقتی دو طرف این عهد به توافق می‌رسند و بین دو طرف توافق برقرار می‌شه، وعده‌های خاصی توسط کارفرما و کارمند ارائه می‌شه.

و ما ساختار ازدواج رو می‌بینیم که بر اساس این مفهوم عهد هست جایی که وعده‌ها بین دو نفر ایجاد می‌شه و اونها با عهدها و سوگندهای مقدس در حضور خدا مهر می‌شن و الی آخر. حتی دولت ملی ما بر اساس مفهوم عهد یا توافق بین کسانی هست که حکومت می‌کنند و کسانی که تحت حکومت قرار می‌گیرند. پس وعده‌هایی در هر عهد هست و ما درک می‌کنیم که یک عهد در دنیای باستان، علاوه بر وعده‌ها، همیشه قید و شرطها یا قوانینی داشت که بخشی از توافق بود. یعنی وعده‌ها با این شرط بود که قید و شرطهای خاصی انجام بشه. و بعد این وعده‌ها، همونطور که گفتیم، با سوگند و عهدها و مراسم گوناگون و آیین‌ها همراه بود که واقعیت این وعده رو نشون می‌داد. حالا این برای درکمون از مسیحیت کتابمقدسی خیلی مهمه، چون با در نظر گرفتن همه‌ی جوانب، کل زندگی مسیحی ما بر اساس اعتماد یا ایمان به یک وعده هست. یعنی وعده‌ی خدا برای فدیهای ما از طریق شخص و کار عیسی.

به طرز بسیار واقعی، از لحاظ عهد، کاری که خدا برای قومش کرده، اینه که کلامش رو به ما داده. و به نظرم در عهدجدید عجیبه که وقتی مسیح میاد، توسط یوحنا در انجیلش به عنوان کسی معرفی شده که کلمه رو مجسم می‌کنه. خدا کلام وعده‌اش رو فقط اعلام نمی‌کنه، بلکه این وعده در کلمه که مسیحه، مجسم شده.

پس هیچ راهی نیست که بتونیم بر اهمیت این ساختار عهد برای درکمون از ایمان مسیحی بیش از حد تأکید کنیم. حالا اگه به کتابمقدس نگاه کنیم و بدون این عهدهای خاصی که من با آدم و نوح و موسی و ابراهیم و الی آخر ذکر کردم، به طور کلی، ما درباره‌ی سه نوع عهد صحبت می‌کنیم که در صفحات کتابمقدس ظاهر می‌شه.

و این سه عهد اصلی رو اول از همه، عهد فدییه می‌نامیم، دوم عهد اعمال و سوم عهد فیض. حالا، سردرگمی‌های زیادی درباره‌ی این اصطلاحات هست و یکی از چیزهایی که می‌خوایم امروز انجام بدیم، اینه که سعی کنیم بعضی از سوء تفاهماتی رو که اخیراً درباره‌ی این مفاهیم هست، شفاف کنیم.

این روزها به نظر می‌رسه که خیلی کم در کلیسا درباره‌ی عهد اول می‌شنوید، که عهد فدییه هست، اما من متوجه شدم که این یکی از هیجان انگیزترین مفاهیم در الهیات نظام‌منده. عهد فدییه به عهدی اشاره نمی‌کنه که خدا با موجودات انسانی می‌بنده. این عهدی نیست که خدا با ما می‌بنده، بلکه عهدی هست که خدا با خودش می‌بنده.

یعنی توافق عهدی که در ابدیت بین سه شخص الوهیت اتفاق می‌افته. و درک این خیلی مهمه، چون در مکاشفهی کتاب مقدسی از نمایش فدییه، عمل هر سه شخص الوهیت رو می‌بینیم. خلقت به تنهایی یک عمل تثلیثی هست.

به ما گفته شده که خدای پدر دنیا رو به وجود میاره ولی وقتی از فضای تهی و تاریکی، نظم و ترتیب رو به وجود میاره، این به خاطر روح خدا که سطح آبها رو فراگرفته بود و چیزها رو به وجود میاورد، انجام شد. ولی عهد جدید مملو از اشاراتی به مسیحه که نماینده‌ای هست که پدر از طریق او همه چیز رو خلق کرد.

همه چیز به واسطه‌ی او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. پس خلقت، مربوط به حضور و اشتغال پدر، پسر و روح القدس. و به همین ترتیب، وقتی به مفهوم فدییه نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این هم یک عمل تثلیثی هست. ما گاهی اوقات در الهیات یک تمایز قائل می‌شیم، که به عنوان تمایز کارکردی یا تمایز عملی در بین اعضای اولوهیت درباره‌ی اون صحبت می‌کنیم. پدر برای نقشه‌ی نجات پیش‌قدم می‌شه. ما با پدر برای حکم ابدی برگزیدگی و اهداف و نقشه‌ی او برای نجات متحد می‌شیم. و پدر، پسر رو به جهان می‌فرسته تا در خدمتش، فدییه رو برای ما انجام بده. و بعد از اینکه پسر فدییه رو برای ما انجام داد، هنوز باید این فدییه در زندگی شخصی ما بکار بره. من چطوری از کار مسیح بهره‌مند بشم؟

این چطوری من رو یک شخص فدییه شده می‌کنه؟ خب، این اتفاق نمی‌افته، مگر اینکه از طریق عمل و خدمت روح القدس خدا در من بکار بره، که به من تولد تازه می‌ده، مرا از مرگ روحانی به حیات روحانی احیا می‌کنه و ایمان رو در دلم ایجاد می‌کنه. روح، منو تقدیس می‌کنه و روح در

آسمان، من رو جلال خواهد داد. پس کل عمل فدیہ، کل این عملیات شامل سه شخص تثلیثه که با توافق عمل می‌کنند.

من یادمه که وقتی سال‌ها پیش در دانشکده‌ی فوق لیسانس بودم، یک مباحثه در بین الهیدانان آلمانی ایجاد شد که مباحثه‌ی اونستمون نامیده می‌شد که فرض می‌کرد تعلیم کتاب مقدس نشون می‌ده که چالشی بین پدر و پسره که در اون کاری که مسیح در خدمت زمینی‌اش انجام داد، پدر رو اغوا کرد یا باعث شد که از خشم و دشمنی نسبت به تژاد بشر کناره‌گیری کنه.

و البته این یک انحراف جدی از ادراک کتاب مقدسی درباره‌ی نحوه‌ی اجرای فدیہ هست. چون عهد فدیہ نشون می‌ده که از ازل، پدر و پسر و روح القدس درباره‌ی این موضوع، نجات انسان‌ها در توافق کامل بودند. پس مثل این نبود که پسر با بی میلی به این دنیا اومد. بلکه پسر خشنود بود که نقشه‌ی پدر رو انجام بده و تجسم پیدا کنه.

و ما اینو حتی به طور زنده در چالشی می‌بینیم که خدا-انسان در شب کفاره‌اش در جتسیمانی داشت، وقتی مسیح در باغ دعا می‌کنه و به خاطر مصائب و درد جانکاهش، عرق به صورت خون از او می‌چکید، می‌گه: "این پیاله را از من بگردان، لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده‌ی تو". پس او در اینجا می‌گه اگه راه دیگه ای هست، بیا این کار رو بکنیم، اما پدر، در نظر داشته باش که من ۱۰۰٪ با تو هستم، با اراده‌ی تو موافقم. پس در زیربنای کل ساختار عهدی نجات، اول از همه، عهد ازلی در خود الوهیت هست.

حالا وقتی درباره‌ی عهد اعمال و عهد فیض صحبت می‌کنیم، در اینجا با سوء تفاهمات و سردرگمی‌های زیادی مواجه می‌شیم. به طور سطحی، این تمایز به فرق بین توافق یا رابطه‌ای اشاره می‌کنه که خدا با آدم و حوا قبل از سقوط داشت و بعد توافقی که خدا با نسل آدم بعد از سقوط داره. عهد فیض- ببخشید، عهد اعمال به شرایط اولیه اشاره می‌کنه که آدم و حوا در اون آفریده شدند. جایکه اونها در جایگاه آزمایشی قرار گرفتند. جایکه خدا فرامین، قید و شرط‌های خاصی رو بهشون می‌ده، وعده‌های خاصی بهشون می‌ده. چیزی که در مقابل آدم و حوا قرار می‌گیره، وعده‌ی حیات ابدیه. و این توسط درخت حیات در باغ عدن نشون داده شده یا به طور نمادین نشون داده شده، ولی همزمان قید و شرط‌هایی هست و شرط اصلی اینه که اونها نباید از درخت معرفت نیک و بد بخورند. پس در عهد اعمال می‌بینیم که سرنوشت تژاد بشر بر اساس عمل تعیین و مشخص می‌شه، بر اساس عمل آدم و حوا در رابطه با اطاعت یا ناطاعتی اونها از شرایط عهد.

اگه از این دوره‌ی آزمایشی عبور کنند، اگه اطاعت کنند، اگه اعمالشون خوب باشه، در این صورت به جایگاه ابدی متبارکی وارد می‌شن. اگه مطابق شرایط این عهد عمل نکنند، در این صورت خواهند مُرد و به همراه نسلشون به سوی نابودی می‌رن، پس کل اساس رابطه با خدا و موجودات انسانی، در اینجا بر اساس اعمال پایه گذاری می‌شه.

و البته در کتاب مقدس می‌خونیم که آدم و حوا به طرز بسیار بدی در این آزمون، این دوره‌ی آزمایشی شکست خوردند. اونها از این توافق و شرایط و قیود عهد تخطی کردند و در نتیجه دنیا رو به نابودی کشوندند. حالا چیزهایی هست که باید اینجا در نظر داشته باشیم.

گاهی اوقات وقتی به فدییه شدن یا نجات یافتن فکر می‌کنیم، کاری که برای ما انجام شده اینه که فردوس دوباره بدست اومد. ما دیدیم که آدم و حوا جایگاهشون رو در فردوس از دست دادند و ما از طریق مسیح فدییه می‌شیم. و مردم می‌گن: "آه، پس ما به فردوس برمی‌گردیم."

نه، نه، نه. ما باید درک کنیم که کاری که در فدییه‌ی ما انجام شد، صرفاً بازگشت به جایی نیست که آدم و حوا قبل از سقوط در اونجا بودند، بلکه ارتقا به جایگاهی که اگه اونها در اطاعت از شرایط عهد موفق می‌شدند، به اونجا دست می‌یافتند. پس این نیست که مسیح برای ما این امکان رو فراهم می‌کنه که به جایگاه بیگناهی برگردیم و بعد باید دوباره از دوره‌ی آزمایشی عبور کنیم و شاید دوباره اونو از دست بدیم. بلکه دوباره سردرگمی دوم در اینجا اینه که چون این عهد، عهد اعمال نامیده شده و دیگری عهد فیضه، معمولاً فکر می‌کنیم که این عهد اول هیچ فیضی در خودش نداره.

اما در نظر داشته باشید که برای اینکه خدا وارد هر عهدی با یک موجود بشه، به ما وعده یا هر چیزی رو تحت هر شرایطی بده، این خودش عمل فیضه، چون خدا به خاطر خلقتش نیازمند این نیست که به مخلوقاتش وعده‌ی چیزی رو بده. وقتی او ما رو خلق می‌کنه، ما تحت الزام هستیم، نه خالق؛ پس اینکه او حتی حیات ابدی رو به ما عرضه می‌کنه یا وعده می‌ده و این سعادت متبارک بودن که به آدم و حوا عرضه می‌کنه، در واقع عمل فیضه. پس نکته اینه که عهد اعمال به تنهایی در فیض یافت می‌شه.

اما به هر حال، هنوز این تمایز یک تمایز معنا داره و دلیلش اینه که وقتی عهد اعمال شکسته می‌شه و زیر پا گذاشته می‌شه، اگه این پایان کار نباشه (و همه‌ی ما فقط هلاک نمیشیم) و خدا فرصت جدیدی به ما میده که فدییه بشیم و او فرزندانش، آدم و حوا رو نگه می‌داره و اونها رو

با وجود سقوطشون فدیہ می‌کنه، او بر اساس یک وعده‌ی جدید این کار رو می‌کنه، وعده‌ای که بر فیض تمرکز می‌کنه، چون این وعده هست که اونها توسط کسی دیگه فدیہ خواهند شد.

این وعده، وعده‌ی فدیہ توسط مداخله‌ی خدا در کار مسیحه. حالا اینجا سردرگمی واقعاً سنگین می‌شه. کتاب مقدس به ما می‌گه با فیض نجات یافتیم و ما اینو درک می‌کنیم. و این فیض ظاهر شده، چون ما از طریق شخص و عمل مسیح نجات یافتیم. و کاری که مسیح برای نجاتمون می‌کنه، اینه که او مدافع ما می‌شه. او جانشین ما می‌شه.

او در عهد جدید به عنوان آدم جدید یا آدم آخر یا آدم دوم معرفی شده. کسی که حالا وارد جهان می‌شه و خودش رو تحت الزامات و قیود عهد اولیه‌ی اعمال می‌گذاره. به عنوان این آدم جدید، او به شرایطی برمی‌گرده که آدم و حوا در فردوس داشتند. و این البته در تجربه‌ی بیابان عیسی نشون داده می‌شه که او ۴۰ روز و سوسه از جانب شیطان رو تجربه می‌کنه. اما این پایان کار نیست.

در کل زندگیش، او در برابر این وسوسه قرار می‌گیره و برای همین تأکید می‌کنم و به تأکیدم ادامه خواهم داد که ما نه تنها به واسطه‌ی مرگ مسیح، بلکه به واسطه‌ی زندگی مسیح نیز نجات یافتیم، چون در زندگی کامل او در اطاعت، مسیح همه‌ی شرایطی رو که در عهد اولیه‌ی اعمال بیان شده، به تحقق می‌رسونه، پس با در نظر گرفتن همه‌ی جوانب می‌بینیم که ما به واسطه‌ی اعمال نجات یافتیم.

شما می‌گید: "یک لحظه صبر کن. من فکر کردم ما عادل شمردگی فقط به واسطه‌ی ایمان رو تعلیم می‌دیم." بله. اما عادل شمردگی فقط به واسطه‌ی ایمان یعنی عادل شمردگی فقط به واسطه‌ی ایمان به مسیح، چون فقط مسیح عهد اعمال رو به تحقق رسوند. ما همچنان به واسطه‌ی اعمال نجات یافتیم، اما نه به واسطه‌ی اعمال خودمون، بلکه به واسطه‌ی اعمال مسیح، پس عهد فیض، عهد اعمال رو باطل نمی‌کنه؛ بلکه برعکس، شرایط عهد اعمال رو به تحقق می‌رسونه.

من اخیراً در کلیسا درباره‌ی صلیب سخنرانی می‌کردم و گفتم که گاهی اوقات مردم فکر می‌کنند که عهدعتیق تماماً درباره‌ی عدالت و خشم خداست و عهد جدید تماماً درباره‌ی رحمت و فیض و محبت خداست. و به مردم یادآوری کردم که واضح‌ترین نمونه در کتاب مقدس درباره‌ی خشم خدا و عدالت خدا، در عهدعتیق نیست، بلکه در عهد جدید – این در صلیب یافت می‌شه.

چون در اینجا خشم خدا بر مسیح فرو ریخت و عدالت خدا کاملاً و تماماً در این عمل اجرا شد، ولی این عملی که عدالت خدا رو نشون می‌ده، همزمان واضح‌ترین نمونه از فیض خداست که در

کتاب مقدس پیدا می‌کنیم، چون این خشم رو کس دیگه‌ای دریافت کرد. این توسط جانشین ما دریافت شد که خودش رو تسلیم شرایط عهد اول کرد و همه‌ی این الزامات رو برای همه‌ی کسانی که به او ایمان میارن، انجام داد.

پس اگرچه تشخیص عهد فیض و عهد اعمال مهمه، اما اینها دست به دست هم میدن و با هم وعده‌های خدا رو از ازل به تحقق می‌رسونند.